

چه کسی چرخ حمل و نقل را پنچر کرد؟

صفحه ۱۴



درباره جشنواره‌ای که برای بهتر شدنش هم در سیاستگذاری و هم در اجرا نیاز به تغییرات داریم

عجایب هفت گانه جشنواره فیلم فجر

ولادت امام حسین (ع) و روز پاسدار را تبریک می گویم
روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی، صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان
۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان



فرهیختگان

شماره مسلسل ۲۸۱۷
سابقه ۱۴ بهمن ۱۳۰۲
۳۰ خرداد ۱۳۴۵
۱۳ فروردین ۲۰۲۴
شماره ۲۰۷۹

www.fdn.ir | Tue | 13 Feb 2024 | vol.15 | No. 4079 | 16 Pages

					درباره نامه ۱۱۰ اصلاح طلب مشارکت جو								

نه به خاتمی، سلام به واقعیت

محمدعلی وکیلی، نماینده سابق مجلس در گفت و گو با «فرهیختگان»:
اصلاح طلبان حداکثری طلب توقع کار چریکی از مجلس داشتند

میلاذ دخانچی، پژوهشگر مطالعات فرهنگی در گفت و گو با «فرهیختگان»:
هیچ ایده مسلطی برای غنی سازی سینمای ارگانی وجود ندارد

گزارش «فرهیختگان» از حواشی پیرامون یک پروژه ملی
تماشاگر ویرانی میراث دهخدا نباشید

درباره نامه ۱۱۰ اصلاح طلب مشارکت جو نه به خاتمی، سلام به واقعیت

هرمیتیک است. تغییر و جایگزینی سازی ۵ میلیون بخاری معمولی و غیراستاندارد نیازمند سطح ۱۰۰ همت یا به عبارتی ۲ میلیارد دلار هزینه است. راندمان ۸۵ درصدی این بخاری‌ها با اولویت دهی به مناطق سردسیر می تواند سالانه منجر به ذخیره سازی ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز شود و سالانه ۳ میلیارد دلار ارزآوری یا جلوگیری از عدم النفع برای کشور به واسطه افزایش توان صادرات گاز ایجاد خواهد شد. با توجه به قطع گاز صنایع و نیروگاه‌ها در صورت تبدیل این حجم از انرژی به کالا یا سایر انرژی‌ها مثل الکتریسیته، سالانه حدود ۱۵ میلیارد دلار ارزش افزوده برای کشور ایجاد خواهد شد. اقدام دوم اجبار پرمصرف‌ها به تمکین از الگوی مصرف است. صدک بالای جامعه یا باید به الگوی مصرف تمکین کرده یا اینکه هزینه مصرف بی رویه را پرداخت کند. در این خصوص اصلاح نظام تعرفه بندی پلکانی و آزادسازی قیمت انرژی برای پرمصرف‌ها رویکردی است که می تواند مرفه‌ها را مجبور به رعایت الگوی مصرف کند. بخش عمده مصرف انرژی در تهران در مناطق یک، دو و سه دارند که چندین برابر الگو در حال مصرف انرژی رایگان هستند که می توان با کنترل مصرف همین بخش، قسمتی از مشکلات را کاهش داد.

یکی از نمونه‌های کوچک و موفق در مدیریت مصرف و استفاده از سیاست‌های غیرقیمتی، طرح تعویض رایگان لامپ‌های رشته‌ای با لامپ‌های کم مصرف در مناطق محروم بوده است. اقدامی که هم با استقبال مردم مواجه شده و هم توانسته مصرف انرژی را کاهش دهد. سیاستگذاران ما باید به این موضوع ایمان آورند که امروزه بسیاری از کشورها با بهره‌گیری از ابزارهای اقتصاد رفتاری توانسته‌اند از طریق سیاست‌های غیرقیمتی بسیاری از چالش‌ها و مشکلات را برطرف سازند و این ابزارها روی میز هستند که تنها نیازمند اراده جدی برای بهره‌گیری و استفاده از آنها لازم است. البته دولت به اجرای سیاست‌های غیرقیمتی اقبال نشان داده و متمایل به استفاده از آنهاست. اما صرفاً تمایل نشان دادن کافی نیست و باید هر چه زودتر این برنامه‌ها در کشور پیاده سازی و دنبال شوند.

ناترازی انرژی در کشور است. بهبود ناترازی انرژی از سه مسیر و کانال قابل دستیابی است. نخست افزایش تولید گاز طبیعی و سایر حامل‌های انرژی موضوعی که با توجه به سرمایه بالا برای جبران افت فشار پارس جنوبی چندان منطقی به نظر نمی‌رسد کما اینکه هیچ افزایش تولیدی نمی‌تواند این روند مصرف را تامین کند. دوم تنوع بخشی به سبد انرژی کشور و افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در آن در این حوزه هم سرمایه بالایی است و هم حجم ناترازی به گونه‌ای است که در کوتاه مدت انرژی‌های تجدیدپذیر نمی‌توانند آن را پوشش دهند. سومین راهکار هم مدیریت است. خود مدیریت مصرف از دو طریق قابل اجراء است: سیاست‌های قیمتی و سیاست‌های غیرقیمتی؛ معمولاً در کشور ما اولین راهکار که به ذهن می‌رسد مدیریت مصرف از طریق اصلاح قیمتی است. اصلاح قیمتی را می‌توان ساده‌ترین راه دانست. اما تجربه آبان ۹۸ باعث ایجاد مقاومت در رویکرد اصلاح قیمتی شده، البته باید دقت داشت که رویکرد خطی و تجربیاتی قبلی اصلاح قیمت نشان داده که این رویکرد در بلندمدت راهگشا نیست و باید به سمت سیاست‌های غیرقیمتی رفت. قبل از هر چیز اعمال سیاست‌های غیرقیمتی نیازمند عزم دولت و اراده در تصمیم‌گیری است، بدنه دولت باید نسبت به اهمیت این حوزه توجه شده و همراه شوند و سازهای نانوک دولت باید از مسیر برداشته شود تا بتوان برای نخستین بار در کشور مدیریت مصرف انرژی را به صورت عمده از طریق ابزار غیرقیمتی کنترل کرد.

ما در سیاست‌های غیرقیمتی تنوع در انتخاب داریم. تنوع در انتخاب این امکان را می‌دهد که بتوان به صورت ترکیبی از ابزارهای مختلف و روش‌های متنوع برای مدیریت مصرف بهره برد. پیش‌نیاز اصلی این اقدام تصمیم‌گیری بر مبنای اطلاعات و دیناست یعنی گردآوری و استفاده از ابزارهای تحلیل اطلاعات کلان بستر مناسبی برای سیاستگذاری و تصمیم‌گیری فراهم می‌سازد. به عنوان نمونه از جمله اقدامات و سیاست‌های غیرقیمتی برای کنترل ناترازی انرژی در بخش خانگی جایگزینی سازی بخاری‌های معمولی با بخاری‌های

بن‌بست رادیکالیسم. اگر بدنه اصلی و هسته سخت نامه ۱۱۰ مشارکت جوی اصلاح طلب جامعه‌شناسی خوانده‌ها و روزنامه نگارها و عمل‌گرایان تکنوکرات هستند، موتور محرک تحریم طلبی مصطفی تاجزاده است. تاجزاده‌ای که آنقدر به اسناد کشاندن اصلاح طلبان برایش موضوعیت دارد که از همان زندان با اساتید دانشگاه ارتباط می‌گیرد تا آنها را قانع کند که برای افزایش مشارکت در انتخابات کاری نکنند، اما این ۱۱۰ نفر فعلاً کاری را کرده‌اند که محمد خاتمی در زمستان سال ۹۰ انجام داد و ظاهراً در اسفندماه ۱۴۰۲ انجام نمی‌دهد. واقعیت این است که این ۱۱۰ نفر کاری سخت و پرریسک انجام داده‌اند، ریسکی که ممکن است بگیرد یا نه، اما از جهت اینکه به سراغ واقعیت رفتن گامی به جلو است باید به فال نیک گرفته شود.

واقعیت‌گرایی و تاجزاده بودن البته زمین بازی اختصاصی طفی از اصلاح طلبان نیست، در میان رقبای آنها در جریان اصولگرا و بخشی از مسئولان دستگاه‌های اجرایی هم این روند دیده می‌شود. شاید این بخش دوم جدی‌تر هم باشد، واقعا اگر مسئولی بخش مهمی از واقعیت انتخابات را کمپین تحریم بداند که از اپوزیسیون خارج و داخل تا بخشی از متحجران داخلی را در بر می‌گیرد، آن وقت وضع اینترنت این گونه می‌ماند که این روزها هست؟ اگر کسی دلش به حال مشارکت در انتخابات می‌سوخد به خاطر یک لیوان، قیصریه استازاپ‌ها را به آتش می‌کشید؟ اگر کسی نگران ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۲ بود جشنواره فیلم فجر را آنقدر محدود و حداقلی برگزار می‌کرد؟

وضع سیاسیون اصولگرا هم از این بهتر نیست، به بازی اسم و فامیل و مسابقه کلمه سازی برای نام ائتلاف‌ها دقت کنید، تصور این جماعت از مردم همان ماشین رابی است که هر چه بگویند همه در صف هستند که به آن رای دهند. یا به جدال‌های بی‌محتوای توییتی اساتید خودخوانده این طیف نگاه کنید، واقعا وقتش نیست از این آقایان و حامیان پشت صحنه‌شان سوال کرد از این مبتذل‌تر هم می‌شود کار سیاسی کرد یا نه؟

محمود زارعی پژوهشگر اقتصاد یادداشت

بزرگ‌ترین دارنده ذخایر هیدروکربنی دنیا در گیبودار ناترازی انرژی، نتیجه فقدان برنامه و استراتژی انرژی چیزی بهتر از این نخواهد بود. اقدام بدون داشتن استراتژی موجب وابسته کردن ۷۰ درصد سبد انرژی کشور به گاز طبیعی می‌شود. این بی‌توجهی به تنوع در تامین منابع، عدم برنامه برای مدیریت مصرف و بی‌توجهی به افزایش راندمان انرژی در کشور همگی دست به دست هم داده تا امروز با یکی از عجیب‌ترین اتفاقات یعنی ناترازی انرژی در کانون انرژی جهان مواجه باشیم. یکی از مهم‌ترین دلایل این ناترازی همان‌گونه که اشاره شد وابستگی ۷۰ درصدی سبد انرژی کشور به گاز طبیعی است. اگر بخواهیم به صورت جزئی‌تر بیان کنیم باید بگوییم ۸۰ درصد تامین انرژی بخش خانگی، ۷۹ درصد تامین انرژی بخش صنعت، ۵۵ درصد خوراک پتروشیمی‌ها و ۱۳ درصد حمل و نقل کشور وابسته به گاز است. این حجم از وابستگی در کنار راندمان پایین وسایل و تجهیزات انرژی بر مانند بخاری‌ها موجب پیشی گرفتن مصرف انرژی کشور از تولید شده است. در کنار این مصرف سرسام‌آور افت فشار میدان گازی پارس جنوبی را هم شاهدیم که در نهایت منجر به بروز ناترازی انرژی در ایران شده است؛ ناترازی که هر روز به عمق و وسعت آن افزوده می‌شود.

قربانی نخست این ناترازی صنایع کشور هستند، دولت‌ها همیشه برای جلوگیری از قطعی بخش خانگی بابت هر ناترازی در انرژی به دنبال اعمال محدودیت برای بخش صنعتی هستند. صنایعی که در تابستان با کمبود برق و در زمستان با کمبود گاز مواجه بوده و گاهی بیش از ۵۰ روز از سال تعطیل هستند. موضوعی که در نهایت اثر خود را در GDP کشور نمایان خواهد کرد. یکی از مولفه‌های مهم در بهبود محیط کسب و کار تسهیل و تضمین دسترسی به انرژی است. بدون تضمین دسترسی به انرژی تسهیل در صدور مجوز منجر به رشد مشاغل کوچک و متوسط نخواهد شد. تاهاکارها و وضعیت کنونی، کنترل و بهبود

محمد زعیمازه سردبیر سرفشانه

بیانیه ۱۱۰ فعال سیاسی اصلاح طلب را باید به فال نیک گرفت، نه تنها به خاطر اینکه دعوت به حضور موثر در انتخابات را به عنوان یک کنش مدنی ترویج می‌کند - که البته این هم مهم است - بلکه به خاطر اینکه در حد خود جریان سیاست‌ورزی در ایران را به سمت چالش واقع‌گرایی سوق می‌دهد. امروز در عرصه سیاسی ایران کنشگران را می‌توان از جنبه نوع مواجهه با واقعیت به دو دسته تقسیم کرد؛ واقعیت‌گریزان و واقعیت‌پذیران. در هر دو دسته کلاسیک سیاست‌ورزان ایرانی یعنی اصولگرا و اصلاح طلب البته از هر دو نوع دیده می‌شود. نامه ۱۱۰ اصلاح طلب واقعیت‌پذیرانه است، چون از یک تجربه زیستی برآمده از واقعیت‌گرایی می‌آید. تجربه تاریخی فشرده‌ای که در آن انباشتی از تجربه‌های شکست خورده و موفقیت‌آمیز از رادیکالیسم تا پراگماتیسم دیده می‌شود، از تحصن نافرجام مجلس ششمی‌ها در زمستان ۸۲ و ترجیح خیابان به صندوق در تابستان ۸۸ گرفته تا رای مخفیانه پای قله دماوند در اسفند ۹۰ و کمپین درست کردن برای آیت‌الله محمدحسین کرمانی و مرحوم ری شهری در سال ۹۴، اینها فراز و فرودهایی است که طفی از اصلاح طلبان را به این نتیجه رسانده که مسیر تندروی بن‌بست است.

روح حاکم بر بیانیه ۱۱۰ نفی دو نکته مهم دارد؛ اول اینکه مشارکت جوی فارغ از نتیجه، خودش موضوعیت دارد و نه صرفاً طریقت. ثانیاً رسیدن به هدف چه در درازمدت و چه در کوتاه‌مدت راهی جز صندوق رای و مشارکت ندارد. بیانیه ۱۱۰ نفی موسوم به متن روزنگشایی البته بندی محذوف و نانوشته هم دارد که ما مسیر تحریم را یک‌بار تا آخر رفته‌ایم و چیزی آخرش ندارد. امروز جبهه اصلاحات دو راهبر دارد؛ یکی در دانشگاه و دیگری در زندان، یکی در مسیر واقع‌گرایی و دیگری در